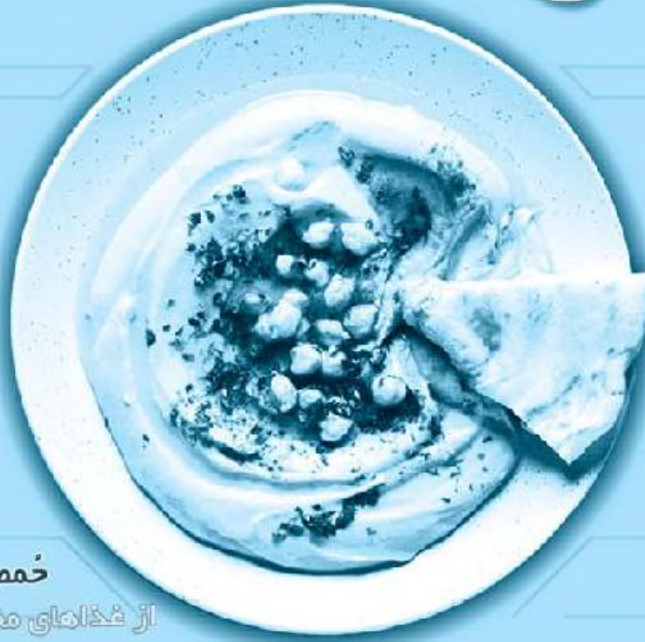


تہذیب
تمرین امتحان

عربی دھم



خمص
از غذائهای محبوب عربی

محسن آهوئی، عرفان جالیزی

مقدمه

به نام او که منشأ «تمام» خوبی‌هاست

تا آنجا که یادمان می‌آید، هر وقت از امتحانی خلاص می‌شدیم، توی حیاط مدرسه دور هم جمع می‌شدیم و با دوستانمون می‌گفتیم: «آخیش! بالاخره اینم «تمام» شد». آهان! گفتیم: «تمام!» «تمام» برای ما یادآور اون آب خوشی که بعد امتحان از گلومون پایین می‌رفت: همون امتحانایی که وقتی از سر جلسه بلند می‌شدیم و توی راهروی مدرسه آزمون می‌پرسیدن چند می‌شی؟ با یه حال خوبی می‌گفتیم: «فکر کنم ۱۹ یا ۲۰».

کتاب **عربی دهم «تمام»** که الان داریم مقدمه شو می‌خونیم، می‌تونه حس قشنگی بهتون بده که حتی اگه کسی قبل امتحان هم پرسه چند می‌شی؟ با خیال راحت بگی: «۲۰!». در این کتاب تلاش شده است که

- ۱ قواعد هر درس به‌طور کامل به همراه مثال‌های متعدد و با سوالات متنوع آورده شود.
- ۲ متن هر درس علاوه بر ترجمه فارسی روان، در برگرفته محل اعرابی (نقش دستوری) تک تک کلمات نیز باشد که سهم قابل توجهی در کیفیت یادگیری مباحث مختلف پایه دهم و سال‌های آینده دارد.
- ۳ «تمام» تمرینات کتاب درسی به همراه ترجمه آن‌ها بررسی شود.
- ۴ بیش از ۲۴۰۰ تمرین تشریحی منطبق بر اهداف کتاب درسی به همراه پاسخ‌نامه کاملاً تشریحی با پیش‌بینی دقیق محتوای امتحانات نهایی تألیف شود که پاسخ‌گوی «تمام» نیازهای شما در امتحانات داخلی و نهایی خواهد بود.
- ۵ در انتهای هر درس بخشی با عنوان «آنچه گذشت» آورده شود که می‌تواند مناسب‌ترین مرجع برای بازآموزی و حل تمرین بیشتر از درس‌های گذشته باشد. همچنین در انتهای همه دروس، یک آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی از آن درس آورده‌ایم که می‌تواند سنجش اثربخشی برای میزان تسلط شما بر آن درس باشد. گفتنی است در راستای ایجاد آمادگی هرچه بیشترتان در امتحانات میان‌نوبت و نوبت اول و دوم، ۶ سری آزمون استاندارد میان‌نوبت اول و دوم و ۶ سری آزمون استاندارد نوبت اول و دوم نیز برای شما نگاشته‌ایم. بنابراین در مجموع، کتاب **عربی دهم «تمام»** دارای ۲۰ آزمون تشریحی به همراه راهنمای تصحیح می‌باشد.

در پایان لازم می‌دانیم از همکاران انتشارات الگو، خانم ستین مختار، مدیر واحد ویراستاری و حروفچینی و آقای سامان شاهین‌پور و خانم مریم احمدی برای حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب تشکر و قدردانی نماییم. همچنین از آقای مختار حسامی برای ویراستاری علمی کتاب سپاسگزاری می‌کنیم.

مع الوصف، از تمام صاحب‌نظران، اساتید گرانقدر و دانش‌آموزان تلاشگر سراسر کشور خواهشمندیم، این اثر را از انتقادات و پیشنهادات سازنده خویش محروم نساخته و ما را در بهبود اثربخش آن، یاری نمایند.

یا علی

ارادتمندان؛ محسن آهویی - عرفان جالیزی

فهرست مطالب

بخش اول: درس نامه و تمرین‌های تشریحی

۱۳۴ الدَّرْسُ السَّادِسُ: اَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ	۲ الدَّرْسُ الْاَوَّلُ: التَّعَارُفُ
۱۴۳ تمرین‌های پایان درس	۱۳ تمرین‌های پایان درس
۱۵۵ سوالات امتحان نهایی	۲۲ سوالات امتحان نهایی
۱۵۸ آزمون میان‌ترم دوم (۱)	۲۴ الدَّرْسُ الثَّانِي: اَلْاَعْدَادُ مِنَ الْوَاحِدِ اِلَى مِئَةٍ
۱۶۰ آزمون میان‌ترم دوم (۲)	۳۳ تمرین‌های پایان درس
۱۶۲ آزمون میان‌ترم دوم (۳)	۴۳ سوالات امتحان نهایی
۱۶۵ الدَّرْسُ السَّابِعُ: اَلْجَارُّ وَالْمَجْرورُ وَ نونُ الْوَقَايَةِ	۴۵ آزمون میان‌ترم اول (۱)
۱۷۶ تمرین‌های پایان درس	۴۷ آزمون میان‌ترم اول (۲)
۱۸۹ سوالات امتحان نهایی	۴۹ آزمون میان‌ترم اول (۳)
۱۹۱ الدَّرْسُ الثَّامِنُ: اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمُبَالَغَةِ	۵۱ الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: اَشْكَالُ الْاَفْعَالِ (۱)
۲۰۲ تمرین‌های پایان درس	۶۲ تمرین‌های پایان درس
۲۱۷ سوالات امتحان نهایی	۷۴ سوالات امتحان نهایی
۲۱۹ آزمون ترم دوم (۱)	۷۶ الدَّرْسُ الرَّابِعُ: اَشْكَالُ الْاَفْعَالِ (۲)
۲۲۱ آزمون ترم دوم (۲)	۸۸ تمرین‌های پایان درس
۲۲۴ آزمون ترم دوم (۳)	۹۹ سوالات امتحان نهایی
 بخش دوم: پاسخ‌های تشریحی	۱۰۱ آزمون ترم اول (۱)
۲۲۸ پاسخ تشریحی تمرین‌های پایان درس	۱۰۳ آزمون ترم اول (۲)
۲۶۵ پاسخ تشریحی سوالات امتحان نهایی و آزمون‌ها	۱۰۵ آزمون ترم اول (۳)
		۱۰۸ الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ وَ الْاِسْمِيَّةُ
		۱۲۰ تمرین‌های پایان درس
		۱۳۲ سوالات امتحان نهایی

اللغة العربية

الدَّرْسُ الخامس

الجملة الفعلية و الاسمية

جملة فعلية

جملة فعلية: جمله‌ای که با فعل (ماضی - مضارع - امر - نهی و ...) آغاز می‌شود و دارای دو رکن اصلی «فعل + فاعل» است.
فعل: کلمه‌ای که انجام دادن کاری و یا روی دادن حالتی را در زمان گذشته حال یا آینده نشان می‌دهد. هر فعلی نیاز به فاعل (انجام دهنده) دارد.

فاعل

فاعل: کلمه‌ای است که انجام دهنده کار است و برای یافتن آن در جمله باید از دو سؤال «چه کسی؟» و «چه چیزی؟» استفاده شود.
جایگاه فاعل در جملات فعلیه غالباً بعد از فعل (اسم ظاهر) است^۱ و گاهی فاعل درون فعل (ضمیر بارز و مستتر) است و فاعل هیچگاه قبل از فعل و ابتدای جمله نمی‌آید. **مثال:**

- تَجْتَهِدُ عَلِيٌّ فِي دروسه. (عَلِيٌّ: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- يُدْفِعُ الْمُؤْمِنُ عَنْ وَطَنِهِ الْإِسْلَامِيَّ. (المؤمن: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- ذَهَبَتْ هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ إِلَى الْبَيْتِ. (هذه: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- سَلَّمَ طَالِبٌ عَلَى مُعَلِّمِنَا. (طالِبٌ: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- يَتَجَحَّ فِي مَدْرَسَتِنَا طُلَّابٌ يَجْتَهِدُونَ كَثِيرًا. (طُلَّابٌ: فاعل از نوع اسم ظاهر)

انواع فاعل در زبان عربی

الف) فاعل بعد فعل (اسم ظاهر): اسمی که انجام‌دهنده کار است و بعد از فعل می‌آید و و غالباً دارای نشانه مرفوع^۲ است. این نوع فاعل، فقط مخصوص صیغه‌های مفرد مذکر غائب و مفرد مؤنث غائب است.
ب) فاعل درون فعل (ضمیر بارز و مستتر): اگر فاعل بعد فعل نیامده باشد، فاعل درون فعل به صورت ضمیر بارز و مستتر در نظر گرفته می‌شود.

نکته: فعل + فاعل (فاعل بعد فعل) فقط مخصوص صیغه‌های ۱ و ۴ (هو، هي) است یعنی صیغه‌های به جز ۱ و ۴ فاعلشان هیچگاه بعد فعل نیست و فاعل صیغه‌های به جز ۱ و ۴ حتماً به صورت «فعل و فاعل» است یعنی فاعلشان درون خود فعل است. **مثال:**

- أَيُّهَا الطُّلَّابُ! نَحْنُ فِي إِمْتِحَانَيْكُم. (فاعل: ضمیر بارز «نَمْ» در فعل «نَحْنُ»)
- هُمُ عَبَدُوا اللَّهَ بِالْإِحْلَاصِ. (فاعل: ضمیر بارز «وَأُو» در فعل «عَبَدُوا»)
- الْمُسْلِمُونَ يَجْتَمِعُونَ فِي الْمَسْجِدِ. (فاعل: ضمیر بارز «وَأُو» در فعل «يَجْتَمِعُونَ»)
- الطُّلَّابَاتُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ بِدِقَّةٍ. (فاعل: ضمیر بارز «نُون» در فعل «يَكْتُبْنَ»)

نکته: هر فعلی فقط یک نوع فاعل دارد. فاعل بعد از فعل (اسم ظاهر) و یا درون فعل (ضمیر بارز و مستتر) است. پس فاعل در جملات فعلیه دو حالت دارد:

- ۱ **فعل + فاعل** (در این حالت فعل فقط باید صیغه ۱ و ۴ باشد) **يُجَاهِدُ الْمُؤْمِنُ.**
فعل فاعل
- ۲ **فعل و فاعل** (در سایر صیغه‌ها و گاهی صیغه ۱ و ۴) **يَتَكَلَّمُونَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.**
فعل و فاعل

۱- ممکن است فاعل بلافاصله بعد از فعل یا با فاصله از فعل باشد.

۲- اگر فاعل اسم ظاهر، اسم اشاره (هذا، هذه، هؤلاء، ذلك، تلك، اولئك) و اسم موصول عام (مَنْ، مَا) و اسم موصول خاص (الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ، الَّتِي) باشد، نیازی به حرکت مرفوع ندارد و اعرابش تغییر نمی‌کند و فقط در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد. **مثال:**

• جَاءَ مَن دَرَسَ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ. • ذَهَبَ هَذَا الْمَعْلَمُ. • جَاءَ هَوْلَاءُ الرِّجَالِ.

۳- نشانه فاعل غالباً مرفوع است. مرفوع یعنی انتهای اسم یکی از نشانه‌های زیر را دارد:

۱) «تاء» **يَتَكَلَّمُ الْمَعْلَمُ رَجُلٌ** (۲) «ان» در اسم منتهی **يَتَكَلَّمُ الطُّلَّابَانِ** (۳) «ون» در اسم جمع مذکر **يَتَكَلَّمُ الْمُسْلِمُونَ**

نکته فعل با فاعل از نظر جنس (مذکر و مؤنث) مطابقت دارد. ﴿۱۰۸﴾
 جَلَسَ الْمُعَلِّمُ. جَلَسَتِ الْمُعَلِّمَةُ.

نکته فعل در ابتدای جمله مفرد می‌آید، به شرطی که فاعل آن فعل بعدش (فاعل اسم ظاهر) باشد. حتی اگر فاعل مثنی یا جمع باشد، فعل قبل آن مفرد می‌آید. ﴿۱۰۷﴾

فعل	فاعل	مثال
مفرد مذکر غائب صیغه ۱	مفرد مذکر	جَاهِدَ الْمُؤْمِنُ
	مثنی مذکر	جَاهِدَا الْمُؤْمِنَانِ
	جمع مذکر	جَاهَدُوا الْمُؤْمِنُونَ
مفرد مؤنث غائب صیغه ۴	مفرد مؤنث	جَاهَدَتِ الْمُؤْمِنَةُ
	مثنی مؤنث	جَاهَدَتَا الْمُؤْمِنَتَانِ
	جمع مؤنث	جَاهَدَتِ الْمُؤْمِنَاتُ
	جمع غیر عاقل	إِنكسرتِ الأشجارُ

نکته اگر فاعل جمع غیر انسان باشد فعل آن به صورت «مفرد مؤنث» می‌آید. ﴿۱۰۶﴾
 الْعَاقِلُ مِنَ وَعظتِ التجارِ. فعل مفعول فاعل
 انقطعت آمالهم. فعل فاعل مالمیه

مفعول

فعل‌های متعدی (گذرا) در جملات فعلیه، دارای مفعول هستند. مفعول یک اسم، غالباً دارای نشانه منصوب^۱ است که بعد فعل می‌آید و انجام شدن کار توسط فاعل بر روی آن را مشخص می‌کند. مفعول غالباً در مقابل دو سؤال «چه کسی را» و «چه چیزی را» و گاهی معادل متمم‌های فارسی «به چه کسی» و «به چه چیزی»، «از چه کسی» و «از چه چیزی»، «با چه کسی» و «با چه چیزی» می‌باشد. ﴿۱۰۵﴾

- ﴿۱۰۵﴾ كَتَبْتُ الرِّسَالَةَ. (نامه را نوشتم.)
- ﴿۱۰۶﴾ يَأْكُلُ طُلَابٌ مَدْرَسَتِنَا الْفَطَوْرَ فِي الْمَدْرَسَةِ. (دانش‌آموزان مدرسه ما، صبحانه را در مدرسه می‌خورند.)
- ﴿۱۰۷﴾ شَاهَدَ الْمُعَلِّمُ تَلَامِيذَهُ فِي الشَّارِعِ. (معلم، دانش‌آموزانش را در خیابان دید.)

لازم بذکر است که در مقابل سؤالات متمم در صورتی مفعول در نظر گرفته می‌شود که آن اسم با حرف جر همراه نباشد که در این صورت جار و مجرور محسوب می‌شود. ﴿۱۰۴﴾

- ﴿۱۰۴﴾ سَأَلْتُ الْمُعَلِّمَ. (از معلم پرسیدم.)
مفعول
- ﴿۱۰۵﴾ الْمَشَاغِبُ يَضُرُّ الطُّلَابَ بِسُلُوكِهِ. (اخلاقگر به دانش‌آموزان با رفتارشان زیان می‌رساند.)
مفعول
- ﴿۱۰۶﴾ وَصَلْتُ إِلَى النَّبِيجَةِ. (به نتیجه رسیدم.)
جار و مجرور

﴿۱۰۷﴾ يَخَافُ النَّاسُ مِنْ لِسَانِ أَهْلِ التَّارِ. (مردم از زبان اهل جهنم می‌ترسند.)
جار و مجرور

﴿۱۰۸﴾ الْمُؤْمِنُ يُتَعَدَّى عَنِ الْمَعَاصِي. (مومن از گناهان دور شد.)
جار و مجرور

انواع مفعول

- 1 اسم: غالباً منصوب و بعد فعل می آید. (مذکر)
- 2 ضمیر مفعولی: فعل + ضمیر متصل (ه، هما، هم، ...، كَ، كما، کم، ...). (مذکر)
- 3 تَصَرُّكُمُ اللَّهُ ...: (ضمیر «كُم» مفعول)
- 4 يُسَاعِدُكَ وَالِدُكَ فِي الشَّدَائِدِ: (ضمیر «كَ»: مفعول)

سؤال عین الفعل و الفاعل و المفعول و الصفة و المضاف اليه في الجملات الفعلية.

الف) تَسَاعِدُ الْمُؤْمِنَاتُ الْآخَرِينَ. ب) أعطى الله بعضَ النَّاسِ ميراثَ الأنبياءِ.

ب) أعطى: فعل / الله: فاعل / بعضَ: مفعول / الأنبياءِ: مضاف اليه

الف) تَسَاعِدُ: فعل / الْمُؤْمِنَاتُ: فاعل / الْآخَرِينَ: مفعول

جملة اسمية

- جملة اسمية: جمله‌ای که با اسم^۱ آغاز می‌شود و دارای دو رکن اصلی «مبتدا + خبر» است.
- مبتدا: اسمی (یک اسم) است که در آغاز جمله اسمیه می‌آید و غالباً مرفوع^۲ است. بی‌بردن به مفهوم عبارت و ترجمه و درک معانی جمله، مبتدا و خبر را مشخص می‌کند. (مذکر)
- 1 الطَّالِبُ نَاجِحٌ. (الطَّالِبُ: مبتدا) 2 هُوَ يُعَلِّمُ الدَّرْسَ. (هُوَ: مبتدا) 3 هَذَا التَّلْمِيذُ فِي الْمَدْرَسَةِ. (هَذَا: مبتدا)
- خبر: کلمه یا کلماتی است که پس از مبتدا می‌آید و معنای مبتدا را کامل می‌کند. برای یافتن خبر باید به ترجمه و مفهوم جمله توجه کنیم.
- 1 کلمات و عبارت «ناجِحٌ - يُعَلِّمُ» - في المدرسة» در مثال‌های بالا «خبر» محسوب می‌شوند.

نوع خبر	مثال
خبر مفرد: یک اسم و مرفوع (غالباً)	الطَّالِبُ عَادِلٌ / الطَّالِبَانِ عَادِلَانِ / الْمَعْلَمُونَ مَسْلُطُونَ
خبر جمله فعلیه: یک فعل	الْمُؤْمِنُ سَجَدَ / نَحْنُ نَتَكَلَّمُ
خبر جار و مجرور	العجلةُ مِنَ الشَّيْطَانِ

مبتدا و خبر می‌تواند دارای صفت یا مضاف‌الیه باشد. (مذکر)

- 1 كَلَامُ الْإِنْسَانِ مَعِيَارٌ عَقْلِيٌّ. 2 الْكِتَابُ الْمَفِيدُ غِذَاءُ الْفِكْرِ.
- مبتدا م‌الیه خبر م‌الیه / مبتدا صفت خبر م‌الیه

مبتدا و خبر می‌تواند دارای صفت یا مضاف‌الیه باشد. (مذکر)

- 1 الْطَّالِبُ يَنْجِحُ (يَنْجِحُ). (تَبَعِيَّتْ خَيْرِ فَعْلِيَّةٍ مِنْ مَبْتَدَأٍ فِي صِيغَةِ) 2 الْطَّالِبَةُ تَنْجِحُ (تَنْجِحُ). (تَبَعِيَّتْ خَيْرِ فَعْلِيَّةٍ مِنْ مَبْتَدَأٍ فِي صِيغَةِ)
- 1 الْطَّالِبَانِ يَنْجِحَانِ (يَنْجِحَانِ). (تَبَعِيَّتْ خَيْرِ فَعْلِيَّةٍ مِنْ مَبْتَدَأٍ فِي صِيغَةِ) 2 الْطَّالِبَاتُ يَنْجِحْنَ (يَنْجِحْنَ). (تَبَعِيَّتْ خَيْرِ فَعْلِيَّةٍ مِنْ مَبْتَدَأٍ فِي صِيغَةِ)

اولویت خبر

اگر بعد مبتدا در جملات اسمیه، «جارو مجرور و اسم» یا «جارو مجرور و فعل» با هم باشد برای تعیین خبر باید طبق اولویت مشخص شده زیر عمل کرد:

- 1 اگر بعد مبتدا «اسم + جار و مجرور» و یا «جار و مجرور + اسم» باشد، اولویت خبر حتماً با اسم است. (مذکر)
- 2 اگر بعد مبتدا «فعل + جار و مجرور» و یا «جار و مجرور + فعل» باشد، اولویت خبر حتماً با فعل است. (مذکر)
- 3 اگر بعد مبتدا «اسم + جار و مجرور» و یا «جار و مجرور + اسم» باشد، اولویت خبر حتماً با اسم است. (مذکر)
- 4 اگر بعد مبتدا «فعل + جار و مجرور» و یا «جار و مجرور + فعل» باشد، اولویت خبر حتماً با فعل است. (مذکر)

1- این اسم می‌تواند از ضمیر، اسم اشاره و یا اسم موصول باشد.

2- منظور از مرفوع همان نشانه‌های «كُ»، «أَنْ»، «وَيْ» در اسم مثنی و «وَيْ» در اسم جمع مذکر است. البته اگر مبتدا، ضمیر، اسم اشاره، اسم موصول و ... باشد نیازی به حرکت رفع ندارد.

سؤال عین المبتدا والخبر و الصفة و المضاف اليه في الجملات التالية:

- (الف) ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾
 (ب) الْمُمَرِّضَاتُ يَعْطِفْنَ عَلَى الْمَرْضَى.
 (ج) الْعَائِلُ يَتَّقِيُمُ الْفُرْصَةَ لِلْحَيَاةِ.
 (د) الْمُطَالَعَةُ غِذَاءٌ لِلرُّوحِ.

پاسخ (الف) الحمدُ: مبتدا / لله: خبر از نوع جار و مجرور / العالمين: مضاف اليه
 (ب) الممرضاتُ: مبتدا / يعطفن: خبر از نوع فعل
 (ج) العائلُ: مبتدا / يتقئمُ: خبر از نوع فعل / الفرصةُ: مفعول
 (د) المطالعةُ: مبتدا / غذاءُ: خبر از نوع اسم

نکته هر اسمی در ابتدای یک جمله لزوماً مبتدا نیست، به این دو عبارت دقت کنید. **نکته**
 • اليوم أكملت لكم دينكم.
 • فاطمةٌ إجلسي.

نکته اگر در ابتدای جمله، جار و مجرور یا یکی از کلمات ظرف زمان و مکان باشد، باید جار و مجرور با ظرف را به همراه متعلقات آن (صفت، مضاف اليه، مشار اليه و ...) در نظر نگرفت. بعد از این دو اگر فعل باشد، جمله فعلیه و اگر اسم باشد، جمله اسمیه است. **نکته**

- في هذه المدرسة رأيتُ أحسنَ أصدقائي. (جمله فعلیه)
- بعدَ غروب الشمسِ يرجعُ أبي من المتجرِ. (جمله فعلیه)
- في الصيفِ ملابسنا تجفُّ بسرعة بسبب حرارة الجوِّ. (جمله اسمیه)
- في تلك الحديقة الجميلة راحةُ الأزهارِ كبيرة. (جمله اسمیه)

سؤال عین الجملة الفعلية و الجملة الاسمية:

- (الف) اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَلْوَانًا مُتَعَدِّدَةً فِي الْأَسْمَاكِ.
 (ب) اِسْمِيهِ
 (ب) اِسْمِيهِ
 (ب) اِسْمِيهِ

محل اعرابی ضمائر

ضمایر متصل عبارت اند از:

صیغه ضمیر	مفرد	مثنی	جمع	ترجمه
غائب	هـ	هما	هم	...شش، ...او
	ها	هما	هنَّ	...شان، ...آن‌ها
مخاطب	كـ	کُما	کُم	...ست، ...تو
	کِ	کُما	کُنَّ	...تان، ...شما
متکلم	وحده: ي	مع الغیر: نا		...م، ...من ...مان، ...ما

محل اعرابی ضمایر متصّل هنگام اتصال به اقسام کلمات (اسم، فعل، حرف جر) این چنین است:

- اسم + ضمیر متصل ← مضاف اليه **نکته** کتابهم، مجتمعه
- فعل + ضمیر متصل ← مفعول **نکته** عَزَفَهُمْ، يَضْرِبُوهُ، عَلَّمَنَا
- حرف جر + ضمیر متصل ← جار و مجرور **نکته** عَلَيْكُمْ، لَنَا، مِنْهُ

نکته اسم‌هایی مانند ضمیر، اشاره، موصول و ... در جملات در نقش‌های مختلف قرار می‌گیرند ولی حرکت حرف آخر آن‌ها ثابت است و در محل اعرابی‌های مختلف تغییر نمی‌کند.

برای تعیین محل اعرابی این اسم‌ها:

- ۱ گاهی در محل اعرابی مبتدا است، اگر ابتدای جمله اسمیه باشد. (مذکور)
- ۲ اَنْتُمْ لَا يَنْزُكُونَ الدَّرْسِ. هَوْلَاءُ مَصَابِيحُ الْاِمَةِ. الذين يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَنْتَصِرُونَ.
- ۳ گاهی در محل اعرابی فاعل است، اگر بعد فعل صیغه ۱ و ۴ (هو، هي) باشد. (مذکور)
- ۴ يُجَاهِدُ اَوْلَاكَ الرَّجَالَ. تَعَلَّمَ الْعَرَبِيَّةَ مَنْ كَانَ فِي صَفْنَا.
- ۵ گاهی در محل اعرابی مفعول است، اگر بعد فعل متعدی (مخصوصاً فعل صیغه به‌جز ۱ و ۴) باشد. (مذکور)
- ۶ قَرَأْتُ هَذِهِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمَخْتَلِفَةَ. اَعْرِفْ مَنْ يَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ الْاَنْجَلِيْزِيَّةِ.
- ۷ گاهی در محل اعرابی مجرور به حرف جر است، اگر بعد از حروف جرّه باشد. (مذکور)
- ۸ سَلَّمْنَا عَلٰى تِلْكَ الْمَدِيْرَةِ. اِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِتِي هِيَ اَقْوَمُ.

سؤال عَيْنِ الْمَبْتَدَا وَ الْخَبْرِ وَ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ اِلَيْهِ فِي الْجُمَلَاتِ التَّالِيَةِ:

- (الف) الْجَهْلُ أَخْطَرُ الْأَمْرَاضِ لِلنَّاسِ. (ب) الْمُقَاتِلُونَ فِي سَاحَةِ الْمَعْرَكَةِ يُدَافِعُونَ عَنْ دِينِهِمْ. (ج) الصَّدْقُ رَأْسُ الْفَضَائِلِ.

پاسخ (الف) الجهل: مبتدا / أخطر: خبر / الأمراض: مضاف إليه

(ب) المُقاتِلُونَ: مبتدا / المعركة: مضاف إليه / يُدافعون: خبر / هم: مضاف إليه

(ج) الصَّدْقُ: مبتدا / رأس: خبر / الفضائل: مضاف إليه

لغات و کلمات درس پنجم

لغت	ترجمه و توضیحات	لغت	ترجمه و توضیحات	لغت	ترجمه و توضیحات
إِبْتَعَدَ	دور شد (مضارع: يَتَبَعَدُ / إبتعد)	الْبَطْ	اردک	سَبَرُوا	حرکت کنید
إِتَّجَاهَ	جهت	التَّبْكَيرِيَا	باکتری	صُدور	سینه‌ها
إِحْتَوَى	در بر داشت - شامل شد (يحتوي / احتواء)	البوم	جغد	ضوء	نور
إِخْلَاصَ	مخلص شدن - خلص کردن عمل	تَأْتَرُ	تحت تأثیر قرار گرفت (يَتَأْتَرُ / تأثر)	الظلام	تاریکی
أَدَارَ	چرخاند، اداره کرد (يُدِيرُ / إدارة)	تَحْرُوكَ	حرکت کرد (يَتَحَرَّكُ / تحرك)	عَوَضَ	جبران کرد (يُعَوِّضُ / تعويض)
إِسْتِطَاعَ	توانست (يَسْتَطِيعُ / استطاعة)	الجُرح	زخم	الْفِيضَةُ	نقره
إِسْتَعَانَ	یاری جست (يَسْتَعِينُ / استعانة)	حَتَّى	تا (حَتَّى تَبْتَعِدَ: تا دور شود)	القُبْحُ	زشتی
إِسْتِفَادَ	استفاده کرد (يَسْتَفِيدُ / استفادة)	الجِرْبَاءِ	آفتاب پرست	قَسَمَ	قسمت کرد
إِضَاعَةَ	نابود کردن	حَرَكَ	حرکت داد (يُحَرِّكُ / تحريك)	القِطْ	گره
إِضَافَةً إِلَى	افزون بر	الحَطْبِ	هیزم	القيد	بند
أَعْشَابَ طَبِيَّةٍ	گیاهان دارویی (عُشْبٌ طَبِي)	حَوَّلَ	تبدیل کرد (يُحَوِّلُ / تحويل)	اللِّسَانِ	زبان
أَعُوذُ	پناه می‌برم	خِزَانَةَ	انبار (جمع: خِزَانَات)	لَعِقَ	لیسید (يَلْعَقُ)
أَفْرَزَ	ترشح کرد (يُفْرِزُ / إفراز)	الْخَلَاقِ	بسیار آفریننده	المُضِيءِ	نورانی
إِلْتَأَمَ	بهبود یافت (يَلْتَمِئُ / إلتئام)	دَلَّ	راهنمایی کرد (يَدُلُّ)	المُظْهَرِ	پاک شده
إِلْتِفَاقَ صُورَ	عکس گرفتن	دُونَ أَنْ	بدون آنکه	مَلَكَ	مالک شد - فرمانروایی کرد (يَمْلِكُ)
إِنَارَةً	نورانی کردن	دُونَ أَنْ يَتَحَرَّكَ	بدون آن که حرکت کند	نَسِي	فراموش کرد
إِنْبَعَثَ	فرستاده شده (يَنْبَعِثُ، إنبعاث)	الدُّنْبِ	دُم	نَطْمَعُ	طمع می‌ورزیم
أَنْشَدَ	سرود (يُنشِدُ / إنشاد)	رَبِيَّتِ	روغن	النُّومِ	خواب
بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ	آفرین بر تو	السَّائِلِ	حرکت کرد (يَسِيرُ)	الوَقَايَةِ	پیشگیری
بَرِّي	خشکی - صحرایی	السَّكِينَةِ	آرامش	الْيَسْرِ	آسانی



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ الفَتْحُوتُ ۲۰
بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرد.

﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ﴾ (شماره: ۱۱)

این آفرینش خداوند است.

<p>غواص‌هایی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند، صدها چراغ رنگارنگ را دیدند. که نورشان از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شود، و تاریکی دریا را به روز روشنی تبدیل می‌کند. که غواص‌ها می‌توانند در نورهای این ماهی‌ها عکس‌هایی بگیرند. دانشمندان کشف کردند که این نورها از نوعی باکتری نورانی فرستاده می‌شود که زیر چشمان آن ماهی‌ها زندگی می‌کند. آیا امکان دارد که بشر، روزی از این معجزه دریایی بهره ببرد، و از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد؟</p>	<p>الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلاً. مبتدا فعل و فاعل جار و مجرور مضافیه شَاهَدُوا مِثَابَ الْمَصَابِيحِ الْمَلْوَنَةِ خبر (فعل و فاعل) مفعول مضافیه صفت الَّتِي يَتَّبِعُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاقِ الْمُضِيئَةِ. فعل مضافیه جار و مجرور صفت و تَحَوَّلَ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ فعل و فاعل مفعول مضافیه جار و مجرور صفت يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ الْتِقَاطَ ضَوْؤِ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاقِ. جار و مجرور فاعل مفعول مضافیه جار و مجرور مضافیه اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ فاعل فعل و فاعل جار و مجرور جار و مجرور صفت الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عُرُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاقِ. فعل و فاعل مضافیه مضافیه هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجِزَةِ الْبَحْرِيَّةِ. فعل و فاعل فاعل جار و مجرور صفت و يَسْتَغْنِي بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟ فعل و فاعل جار و مجرور صفت جار و مجرور مضافیه</p>
<p>چه بسا آن را بتواند (انجام دهد)، زیرا «هرکس چیزی را بخواهد و تلاش کند، می‌یابد.»</p>	<p>رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ. فعل و فاعل مفعول لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ» فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل فعل و فاعل</p>
<p>قطعا زبان گربه یک سلاح پزشکی دائمی است، زیرا پر از غده‌هایی است که مایعی پاک‌کننده را ترشح می‌کند، پس گربه چندین مرتبه زخمش را می‌لیسد تا بهبود یابد.</p>	<p>إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طِبِّيٌّ دَائِمٌ. مضافیه صفت لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا. جار و مجرور فعل و فاعل مفعول صفت فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِيمَ. فعل مفعول مضافیه مضافیه فعل و فاعل</p>

۱- اسم جمع مؤنث سالم (ات) در محل اعرابی مفعول (اعراب نصب) به جای «ات» یا «ات» به صورت «ات» یا «ات» می‌آید. رَأَيْتُ الْمَعْلَمَاتِ مفعول و منصوب

◀ جواز (مع سائق ستاره الأجرة) گفت وگو (با راننده تاکسی) ▶

السائق گردشگر	سائق ستاره الأجرة راننده تاکسی
أيتها السائق، نريد أن نذهب إلى المدائن. جناب راننده، می‌خواهیم به مدائن برویم.	أنا في خدمتكم، تفضلوا. من در خدمتتان هستم، بفرمایید.
كم المسافة من بغداد إلى هناك؟ مسافت از بغداد به آنجا چقدر است؟	أظن المسافة سبعة و ثلاثين كيلومتراً. گمان می‌کنم مسافت ۳۷ کیلومتر باشد.
لزيارة مرقد سلمان الفارسي و مشاهدة طاق كسرى؛ برای دیدن قبر سلمان فارسی و مشاهده طاق کسری.	عجيب! لم تذهبوا إلى المدائن؟ عجیب است، چرا به مدائن می‌روید؟
لماذا تتعجب؟ چرا تعجب می‌کنی؟	لأنه لا نذهب إلى المدائن إلا قليل من الزوار. چون به مدائن نمی‌روند مگر اندکی از زائران.
في البداية تشرفنا بزيارة العتبات المقدسة في المدن الأربعة كربلاء و النجف و سمراء و الكاظمية. ابتدا به زیارت عتبات مقدس در شهرهای چهارگانه کربلا و نجف و سامرا و کاظمین مشرف شدیم.	زيارة مقبولة للجميع! زیارت همگی قبول باشد!
نعم؛ أعرفه، إنه من أصحاب النبي (ص) و أصله من إصفهان. بله، او را می‌شناسم، او از یاران پیامبر (ص)، و اصلش از اصفهان است.	أعرف من هو سلمان الفارسي أم لا؟ و آیا می‌دانی سلمان فارسی کیست یا نه؟
بالأكيد؛ إنه أخذ قصور الملوك الساسانيين قبل الإسلام. البته، آن یکی از کاخ‌های پادشاهی ساسانی در قبل از اسلام است.	أحسننا؛ و هل لك معلومات عن طاق كسرى؟ آفرین! و آیا اطلاعاتی هم در مورد طاق کسری داری؟
قد أشهد شاعران كبريان قصيدتين عند مشاهدتهما إيوان كسرى؛ دو شاعر بزرگ هنگام دیدن ایوان کسری، دو قصیده سروده‌اند؛ البحرئي من أکبر شعراء العرب، و خفائي، الشاعر الإيراني. بُحتری از بزرگ‌ترین شاعران عرب و خفانی شاعر ایرانی.	ما شاء الله! ما شاء الله! بارك الله فينا! آفرین بر تو! معلوماتك كثيرة! اطلاعاتت زیاد است!

کتاب درسی

التمارين

▶ التمرين الأول: أي كلمة من كلمات المعجم، تناسب التوضيحات التالية؟

- (۱) طائر يسكن في الأماكن المتروكة ينام في النهار و يخرج في الليل.
- (۲) عضو خلف جسم الحيوان يحركه غالباً لطرده الحشرات.
- (۳) نباتات مفيدة للمعالجة نستفيد منها كدواء.
- (۴) طائر يعيش في البر و الماء.
- (۵) عدم وجود الضوء.
- (۶) نشر التور.

▶ پاسخ

- (۱) پرندۀ ای است که در مکان‌های متروکه زندگی می‌کند: در روز می‌خوابد و در شب بیرون می‌آید.
- (۲) عضوی است پشت بدن حیوان که اغلب آن را برای راندن حشره‌ها حرکت می‌دهد.
- (۳) گیاهانی مفید برای معالجه که از آن‌ها مانند دارو استفاده می‌کنیم.
- (۴) پرندۀ ای است که در خشکی و آب زندگی می‌کند.
- (۵) نبود روشنایی.
- (۶) پخش کردن روشنایی.

- البومة (جغد)
الذنب (دُم)
الأعشاب الطيبة (گیاهان دارویی)
البت (أردک)
الظلام (تاریکی)
إنارة (روشن کردن)

التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

إِسْطَاعٌ قَدَّرَ	سَلَّمَ حَزَبٌ	إِفْتَرَبَتْ إِنْتَعَدَتْ	إِحْسَانٌ إِسَاءَةٌ
بَنَى صَنَعَ	ظَلَامٌ ضِيَاءٌ	عِدَاوَةٌ صَدَاقَةٌ	نُفَايَةٌ رُبَالَةٌ
عَيِمَ سَحَابٌ	حُجْرَةٌ غُرْفَةٌ	يَتَّبِعُ عَيْنٌ	قَرُبٌ بَعْدٌ
فَرِحَ حَزِينٌ	مِنْ فَضْلِكَ رَجَاءٌ	غُصَّةٌ حُزْنٌ	جَاهِزٌ حَاضِرٌ

پاسخ

إِسْطَاعٌ = قَدَّرَ توانست	سَلَّمَ ≠ حَزَبٌ صلح ≠ جنگ	إِفْتَرَبَتْ ≠ إِنْتَعَدَتْ نزدیک شد ≠ دور شد	إِحْسَانٌ ≠ إِسَاءَةٌ خوبی کردن ≠ بدی کردن
بَنَى = صَنَعَ ساخت	ظَلَامٌ ≠ ضِيَاءٌ تاریکی ≠ روشنایی	عِدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ دشمنی ≠ دوستی	نُفَايَةٌ = رُبَالَةٌ زباله
عَيِمَ = سَحَابٌ ابر	حُجْرَةٌ = غُرْفَةٌ اتاق	يَتَّبِعُ = عَيْنٌ چشمه	قَرُبٌ ≠ بَعْدٌ نزدیک شد ≠ دور شد
فَرِحَ ≠ حَزِينٌ خوشحال ≠ ناراحت	مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءٌ لطفاً	غُصَّةٌ = حُزْنٌ اندوه	جَاهِزٌ = حَاضِرٌ آماده

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: اَكْتُبِي اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ فِي الْفَرَاغِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْهَا.

الْبَيْطُ / الْكِلَابُ / الْغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الْحِرْبَاءُ / الْبَقْرَةُ



(٣) دَتَبْتُ جَمِيلٌ.
المُضَافُ إِلَيْهِ:



(٢) يُرْسِلُ أَحْبَابَ الْغَايَةِ.
المَفْعُولُ:



(١) تُعْطِي الْحَلِيبَ.
الْفَاعِلُ:



(٦) طَائِرٌ جَمِيلٌ.
الْخَبَرُ:



(٥) الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِ.....
الْمُبْتَدَأُ:



(٤) ذَاتُ عُيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.
الْصِّفَةُ:

پاسخ

- (١) البقرة - الفاعل: البقرة / گاو شیر می دهد.
(٢) الغراب - المفعول: أحباب / کلاغ، اخبار جنگل را می فرستد.
(٣) الطاووس - المضاف إليه: الطاووس / دم طاووس، زیباست.
(٤) الحرباء - الصفة: متحركة / آفتاب پرست دارای چشمان متحرکی است.
(٥) الكلاب - المبتدأ: الشرطي / پلیس به وسیله سگها امنیت را حفظ می کند.
(٦) البئط - الخبر: طائر / اردک، پرندة زیبایی است.

أنوار القرآن

كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

- (۱) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ آل عمران: ۱۸۵
هر کسی چشنده است. (می میرد)
- (۲) ﴿... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
و درباره آسمان ها و زمین؛
- (۳) ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾
[و می گویند:] ای پروردگار ما، اینها را بیهوده؛
- (۴) ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
تو پاکی؛ ما را از شکنجه نگاه دار؛
- (۵) ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾
پروردگارا، هر که را تو به آتش افکنی، او را خوار ساخته ای، و هیچ ندارند؛
- (۶) ﴿رَبَّنَا إِنَّا أِتَيْنَاكَ مِنْ دُونِ الْإِيمَانِ لَمَّا كُنَّا فِي شَكٍّ مِمَّا يَدْعُوا بِآيَاتِكَ فَاتَّخِذْنَا أَلْوَانَ مِنَ الْوَعْدِ الَّذِي لَكَ يَا رَبَّنَا إِنَّنَا مِنَ الْمُنْظَرِينَ﴾ آل عمران: ۱۹۳-۱۹۱
ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام دهنده را که به ایمان دعوت می کرد که به پروردگارتان، ایمان بیاورید و ما

پاسخ

- (۱) مرگ (۲) آفرینش - می اندیشند (۳) نیافریده ای (۴) آتش
(۵) ستمگران - یاورانی (۶) شنیدیم - ایمان آوردیم

درس پنجم

تمرین های پایان درس

واژگان

ترجم الكلمات التي تحتها خط:

- ۱۰۴۲ هل نستعين بلك البكتيريا لإزالة المدن؟
۱۰۴۳ قام السائح بالتقاط صور من الآثار التاريخية.
۱۰۴۴ لسان القبط سلاح طبي.
۱۰۴۵ يستطيع الطالب الإجابة عن الأسئلة.
۱۰۴۶ «قل سيروا في الأرض»
۱۰۴۷ يتبع فريق علمي إلى هناك.
۱۰۴۸ التأم جرح أخي الأكبر.
۱۰۴۹ تستفيد أختي من تجارب الآخرين.
۱۰۵۰ ما شاء الله بآزك الله فيك.
۱۰۵۱ للبطّة غدة طبيعية بالقرب من ذنبها.

انتخب الجواب حسب ترجمة المفردات المعينة:

- ۱۰۵۲ هل لك معلومات عن الجرباء.
۱۰۵۳ يُدبر هذا الحيوان عينيه في اتجاهات مختلفة.
۱۰۵۴ عين البومة ثابتة.
۱۰۵۵ عوّض أعمالك القبيحة بالحسنات.
۱۰۵۶ لا تتحرك عين هذا الحيوان.
۱۰۵۷ لا تتأثر بأخلاق الأراذل.
۱۰۵۸ هناك غدة طبيعية بالقرب من ذنب البطّة.
الف) آفتاب پرست (ب) گربه
الف) می چرخد (ب) می چرخاند
الف) گُرگ (ب) جغد
الف) جبران کرد (ب) جبران کن
الف) حرکت نمی کند (ب) حرکت نمی دهد
الف) تحت تأثیر قرار نمی گیریم
ب) تحت تأثیر قرار نمی دهیم
الف) گاه (ب) دم

أكتب مفرد أو جمع المفردات التالية:

١٥٥٩ الزبوت (المفرد):

١٥٦١ الأحرار (المفرد):

١٥٦٠ العُشب (الجمع المكسر):

١٥٦٢ الضوء (الجمع المكسر):

أكتب مفرد أو جمع الكلمات التي تحتها خط:

١٥٦٣ كَتَبْنَا سِرًّا وَلَيْتَنَا:

١٥٦٤ نَطَلَبُ مِنَ اللَّهِ ائْتِشِرَاحَ صُدُورِنَا:

انتخب الصحيح في المفرد أو الجمع:

١٥٦٥ جمع «زائر»: (الف) زيارة (ب) زُور

١٥٦٦ مفرد «خواص»: (الف) خاصة (ب) إختصاص

كم جمع تكسير في العبارة التالية؟

١٥٦٧ اكتشفت العلماء أن هذه الأضواء تنبعث من نوع من البكتريا المضيئة. (الف) واحد (ب) اثنان

١٥٦٨ الغواصون الذين ذهبوا إلى أعماق المحيط ليلاً، شاهدوا مئات المصايح الملوثة. (الف) اثنان (ب) أربعة

١٥٦٩ إنه أخذ قصور الملوك الساسانيين قبل الإسلام. (الف) اثنان (ب) ثلاثة

انتخب المترادف أو المتضاد من بين المفردات التالية:

(افترب - عُشب - التأم - غصة - استطاع)

١٥٧٠ قدر =

١٥٧١ حزن =

١٥٧٢ ابتعد ≠

اجعل علامة الترادف أو التضاد بين المفردات التالية (= ≠):

١٥٧٣ بنى

١٥٧٤ عداوة

١٥٧٥ غيم

١٥٧٦ سحاب

١٥٧٧ صداقة

١٥٧٨ صنع

انتخب الصحيح في المترادف أو المتضاد:

١٥٧٦ المترادف لمفردة «رجاء»: (الف) عثر (ب) من فطلك

١٥٧٧ المتضاد لمفردة «فرح»: (الف) غصة (ب) حزين

١٥٧٨ المترادف لمفردة «نفاية»: (الف) زيارة (ب) عداوة

١٥٧٩ المتضاد لمفردة «سلم»: (الف) حرب (ب) صالح

عين المتضاد لكلمة «بُعد» و المترادف لكلمة «عُرْفَة»:

لبثت في حجرة الفندق الكبيرة.

قرب صديقي من القرية الصغيرة.

١٥٨١ المترادف لكلمة «عُرْفَة»:

١٥٨٢ المتضاد لكلمة «بُعد»:

عين الكلمة الغريبة حسب الترجمة:

١٥٨٣ المطهر (الف) البطة

١٥٨٤ الطاووس (الف) الغراب

١٥٨٥ انتفع (الف) التأم

١٥٨٦ استعمل (الف) استغاد

ترجمه

ترجم العبارات إلى الفارسيّة:

- ١٠٨٤ ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾
- ١٠٨٥ ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾
- ١٠٨٦ ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾
- ١٠٨٧ ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾
- ١٠٨٨ ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾
- ١٠٨٩ ضدُّ العاقِلِ ضدوقُ سرّه.
- ١٠٩٠ ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.
- ١٠٩١ حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ.
- ١٠٩٢ عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
- ١٠٩٣ أَكْبَرُ الْحَمَقِ الْإِعْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ.
- ١٠٩٤ الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.
- ١٠٩٥ مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ.
- ١٠٩٦ تَسْتَعِينُ حَيَوَانَاتِ الْغَابَةِ بِالْغُرَابِ لِلإِتِّعَادِ عَنِ مِثْقَةِ الْخَطَرِ.
- ١٠٩٧ إِنْ أَعْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِللُّغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمَلِكُ لُغَةً عَامَّةً.
- ١٠٩٨ هَلْ يُمْكِنُ أَنْ يَسْتَكِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ الْمُخْتَلَفَةِ؟
- ١٠٩٩ الْعَوَاصِمُ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِيَلِدُوا، شَاهِدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ.
- ١١٠٠ إِعْلَمُوا أَنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَيِّبٌ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدِّ تَفَرُّرٌ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
- ١١٠١ بَعْضُ الْكَبُورِ وَالْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّيِّبَةَ وَتَعْلَمُ كَيْفِيَّةَ اسْتِعْمَالِهَا.
- ١١٠٢ لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي رَيْتًا خَاصًّا تَنْشُرُهُ عَلَى جَسْمِهَا.
- ١١٠٣ لَا تَنْحَرِّكُ عَيْنُ الْبَوْمِيَّةِ، فَإِنَّهَا نَائِبَةٌ وَلَكِنْ رَأْسُهَا يَنْحَرِّكُ فِي كُلِّ جِهَةٍ.
- ١١٠٤ سَأَلْتُ غَوَاصًّا ذَهَبَ إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ: مَاذَا تَحْوُلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ؟
- ١١٠٥ يَسْتَطِيعُ غَوَاصُّو الْبِلَادِ الْبِقَاطِ صُورَ فِي أَضْوَاءِ الْأَسْمَاقِ الْمُضِيئَةِ.
- ١١٠٦ إِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ فِي لِسَانِ الْقِطِّ غُدَّةً يَخْرُجُ مِنْهَا سَائِلٌ مُطَهَّرٌ.
- ١١٠٧ الْأَضْوَاءُ الَّتِي تُسَاعِدُنَا فِي الْبِقَاطِ صُورٍ تَنْبَعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ.
- ١١٠٨ أَوْلَتْكَ الْعَوَاصِمُ كَانُوا يَذْهَبُونَ إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِإِتِّعَادِ صُورٍ.
- ١١٠٩ نَحْنُ أَطِبَّاءُ شَبَابٍ فَلَدِينَا أَعْشَابٌ طَبِيبَةٌ نَسْتَحْدِمُهَا فِي مُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ أَحْيَانًا.
- ١١١٠ فِي الْبِدَايَةِ تَشْرُفُ أَعْضَاءُ أُسْرَتِي بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأَرْبَعَةِ.
- ١١١١ لِلتَّدَمِّ عَلَى السُّكُوتِ فَضْلٌ عَلَى التَّدَمِّ عَلَى الْكَلَامِ فَعَلَيْكَ بِالسُّكُوتِ.
- ١١١٢ جَاءَ الطَّيِّبُ الْحَازِقُ بِالْعُشْبِ الطَّيِّبِ وَاسْتَعْمَلَهُ لِمُعَالَجَةِ مَرَضِي.
- ١١١٣ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةُ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاقِ أَنْزَلَتْ تَعَجُّبِي.
- ١١١٤ يَلْتَقِ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمَّ لِأَنَّ لِسَانَهُ سِلَاحٌ طَيِّبٌ دَائِمٌ.
- ١١١٥ رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ أَخِي الْعَوَاصِمُ أَنْ يَلْتَقِظَ صُورًا فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاقِ.
- ١١١٦ مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَّ وَجَدَ قَوَاصِلَ مُحَاوَلَاتِكَ لِلْوُصُولِ إِلَى أَهْدَاكَ الْعَالِيَةِ.
- ١١١٧ تَعِيشُ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةُ تَحْتَ عَيُونِ الْأَسْمَاقِ فَيَحَاوِلُ الْعُلَمَاءُ لِتَعْرِفِ عَلَيْهَا.

- ۱۱۱۸ بقي صديقي الحميم في منزله سبعة أيام حتى يلتئم جرحه العميق.
- ۱۱۱۹ تتعدّد حيوانات الغابة سريعاً عن منطقة الخطر عند سماع صوت الغراب.
- ۱۱۲۰ تدلّ هذه الحيوانات الإنسان على الخواصّ الطيبية لكثير من النباتات البرّية.
- ۱۱۲۱ قد أشدّ شاعران كبيران قصيدتين عند مشاهدتهما إيوان كسرى.
- ۱۱۲۲ تستطيع الحيوانات من خلال لغتها العامة أن تفاهم مع بعضها.
- ۱۱۲۳ للطنائر الذي لونه أسود صوت يُحدّر به بقية الحيوانات حتى تتباعد سريعاً عن منطقة الخطر.
- ۱۱۲۴ أيها الأطباء استعملوا الأعشاب المناسبة للوقاية من الأمراض المختلفة.
- ۱۱۲۵ للغابة جواسيس فهل يكون الغراب الذي يُبعد الحيوانات عن منطقة الخطر جاسوساً؟
- ۱۱۲۶ شاهد نبات المصابيح الملونة التي يتبعث ضوءها من الأسماك المضئبة.
- ۱۱۲۷ ينتشر هذا الزيت الخاص على جسم البطة ولا يتأثر بالماء.
- ۱۱۲۸ الماء من المطهرات فنستعين به في غسل أيدينا و ملباسنا.

انتخب الترجمة الصحيحة:

- ۱۱۲۹ هي تستطيع أن ترى في اتجاهين في وقت واحد.
- الف) آن می تواند که همزمان در دو جهت ببیند.
- ب) آن توانست که همزمان در دو جهت ببیند.
- ۱۱۳۰ رُبما يتجح ذلك الطالب في امتحانات آخر السنة الدراسية.
- الف) آن دانش آموز در امتحانات پایان سال تحصیلی موفق می شود.
- ب) چه بسا آن دانش آموز در امتحانات پایان سال تحصیلی قبول شود.
- ۱۱۳۱ إن جدّي إضافة إلى امتلاكه لبقاع كثيرة يملك بستاناً كبيراً.
- الف) همانا پدر بزرگ من علاوه بر داشتن تکه زمینی بزرگ، باغ های بسیاری دارد.
- ب) همانا پدر بزرگم علاوه بر داشتن تکه زمین های بسیار، باغ بزرگی دارد.
- ۱۱۳۲ تعوّض البومة هذا النقص بتحريك رأسها في كل جهة.
- الف) جغد، این کمبود را با حرکت دادن سرش در هر جهتی جبران می کند.
- ب) گربه، این کمبود را با حرکت دادن چشمش در هر جهتی جبران می کند.
- ۱۱۳۳ لهؤلاء الأطفال نقص في التغذية، فينصحهم الطبيب بتناول الفواكه لتعويضه.
- الف) این کودکان در تغذیه، کمبودی دارند. پس پزشک، آن ها را به خوردن میوه ها برای جبران آن نصیحت می کند.
- ب) این کودکان در تغذیه، کمبودی داشتند. پس پزشک، آن ها را به خوردن میوه ها برای جبران آن تشویق کرد.
- ۱۱۳۴ هل يستطيع هذا الحيوان أن يدير رأسه مئتين و سبعين درجة دون أن يحرك جسمها؟
- الف) آیا سر این حیوان دو بیست و هفتاد درجه می چرخد، بدون اینکه آن بدنش را حرکت دهد؟
- ب) آیا این حیوان می تواند که سرش را دو بیست و هفتاد درجه بچرخاند، بدون اینکه بدنش را حرکت دهد؟
- ۱۱۳۵ قد حوّلت الأسماك المضئبة ظلام البحر إلى نهار مضيء.
- الف) ماهی های نورانی، تاریکی دریا را به روزی نورانی تبدیل کرده اند.
- ب) ماهی های نورانی، دریای تاریک را به روزی روشن تبدیل می کنند.
- ۱۱۳۶ إضاعة الفرصة غصة فاستفيدوا من الفرصة رجاء.
- الف) تباہ کردن فرصت، «موجب» اندوه است. پس لطفاً از فرصت بهره ببرید.
- ب) از بین بردن فرصت، «موجب» اندوه است. پس لطفاً از فرصت استفاده کن.
- ۱۱۳۷ على الفلاح المجدد بزراعة أشجار التفاح.
- الف) کشاورز تلاشگر، درختان سیب را خواهد کاشت.
- ب) کشاورز کوشا، باید درختان سیب را بکازد.

كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:

- ١١٣٨ تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي أَتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ.
..... می تواند که را در جهت های مختلف
- ١١٣٩ أَيُّهَا السَّائِقُ، تُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.
ای ، می خواهیم که به مدائن
- ١١٤٠ ذَلِكَ الشَّاعِرُ الشَّابُّ يُشِيدُ أَشْعَاراً جَمِيلَةً فِي مَدْحِ أَهْلِ الْبَيْتِ.
آن شاعر ، اشعاری زیبا را در اهل بیت
- ١١٤١ لِشَجَرَةِ الْعِلْمِ ثَمَرَةٌ يَسْتَفِيدُ طَالِبُ الْعِلْمِ مِنْهَا.
درخت دانش ، دارد که جوینده دانش، از آن
- ١١٤٢ سَأَلْتُ الْبَاحِثَ الْمُؤَدَّبَ: أَيُّ طَائِرٍ يَعْيشُ فِي الْبَرِّ وَالْمَاءِ؟
از پژوهشگر بالادب : کدام در و آب زندگی می کند؟
- ١١٤٣ ﴿وَصَرَبْنَا مَثَلًا وَنَسِي خَلْقَهُ﴾
و برای ما ضرب المثل و آفرینشش را
- ١١٤٤ مَنْ طَلَبَ مُشَاهَدَةَ طَاقِ كِسْرَى سَافَرَ إِلَى الْمَدَائِنِ.
هرکس خواست که طاق کسری را ، به مدائن
- ١١٤٥ رَبُّنَا عَادِلٌ وَهُوَ لَا يَظْلِمُ عِبَادَهُ أَبَدًا.
..... ، عادل است و او هرگز به بندگانش
- ١١٤٦ يُرِيدُ اللَّهُ بِنَا الْيَسْرَ وَلَا يَكْلِفُنَا إِلَّا وُسْعَنَا.
خداوند بر ایمان می خواهد و جز به اندازه توانمان به ما

قواعد

عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْفِعْلِيَّةَ وَالْإِسْمِيَّةَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ١١٤٧ ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾
١١٤٨ إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ.
١١٤٩ تَعِيشُ أَحْيَاءٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
١١٥٠ رُمَلَانِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ سَوَاءٍ.
١١٥١ يَمْشِي عِبَادُ الرَّحْمَنِ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا.
١١٥٢ ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾
١١٥٣ أَكْثَرُ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتَقَالِ فِي قِشْرِهِ؟
١١٥٤ مقبرة «وادي السلام» في النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ.
١١٥٥ يَنْصَحُ الْقَائِدُ الْمَسْؤُولِينَ لِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ.
١١٥٦ تَعَلَّمَ أَخِي اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْ أَسَاتِذِ.
١١٥٧ تَنَاوَلَ الْفَوَاكِهَ الْمُخْتَلِفَةَ مُفِيدًا لَكُمْ.

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَعْيِينِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- ١١٥٨ غَمَلَاءُ الْعَدُوِّ يَمْعَلُونَ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. الف) خبر ب) مضاف إليه
- ١١٥٩ إِبْلِي حَقِيقَةً أُخْتِكَ إِلَى هُنَا. الف) فاعل ب) مفعول
- ١١٦٠ حَقِيقَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيْشِ. الف) صفة ب) خبر

١٢٥٧ خُذْ جَوَارِكَ. فِي أَمَانِ اللَّهِ.

١٢٥٨ ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾

١٢٥٩ إِنِّانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: فَاطِعُ الرَّجْمِ وَ جَارُ السَّوِّءِ.

١٢٦٠ لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ.

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حُطُّ:

«تَأْتَرُ: تحت تأثير فرار گرفت»

.....	١٢٦١ لِمَاذَا لَا تَتَأْتَرِينَ بِأَخْلَاقِ أُخَيْتِكَ.
.....	١٢٦٢ لَا تَتَأْتَرْنَ بِجَلِيسَاتِ السَّوِّءِ رَجَاءً.
.....	١٢٦٣ سَوْفَ تَتَأْتَرُ بِالْعُلَمَاءِ.
.....	١٢٦٤ صَدِيقِنَا كَانَ يَتَأْتَرُ بِنَا.
.....	١٢٦٥ جِسْمُ الْبَطَّةِ مَا تَأْتَرُ بِالْمَاءِ.
.....	١٢٦٦ أُنْتُنُ تَأْتَرُنُّ بِالْمَرْأَةِ الَّتِي كَانَتْ عَالِمَةً.
.....	١٢٦٧ أَوْلَانِكَ تَأْتَرُوا بِمُرَافِقِهِمْ.

«حَدَّرَ: هشدار داد»

.....	١٢٦٨ وَالِدَايِ حَدَّرَا مُحَمَّدًا مِنْ مُجَالَسَةِ الْجُهَالِ.
.....	١٢٦٩ حَدَّرِي بِنْتِكَ مِنْ ارْتِكَابِ الذَّنُوبِ الْكَبِيرَةِ.
.....	١٢٧٠ الْعُلَمَاءُ سَيَحَدَّرُونَ النَّاسَ مِنْ مُصَادَقَةِ عَمِيلِ الْعَدُوِّ.
.....	١٢٧١ أُخْتِي مَا حَدَّرَتْ صَدِيقَتَهَا أَلَّا تَهْنَ فِي الدَّرَاسَةِ.

رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ صُغِ الْجُمَلَاتِ الْمَطْلُوبَةَ ثُمَّ تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ:

١٢٧٢ ذَهَبُوا / إِلَى / الْمُحِيطِ / أَعْمَاقِ / الْعَوَاصِرِ ← الْجُمْلَةُ الْاسْمِيَّةُ

١٢٧٣ شَاعِرَانِ / قَصِيدَتَيْنِ / قَدْ / كَبِيرَانِ / أَنْشَدَ ← الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ

مكالمه

رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبِ سَوْألاً صَحِيحاً:

(السَّائِحُونَ - الْمَدَائِنِ - إِلَى - يَذْهَبُ - لِيَمِ)

١٢٧٤ » ؟ لِرِيزَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ.

إِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي الْجَوَابِ:

١٢٧٥ أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟

(ب) لا، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (ص) وَ أَسْلَمَهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.

(ف) نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ.

١٢٧٦ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنِ طَاقِ كِسْرَى؟

(ب) بِالنَّأَكِيدِ.

(ف) لا، إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ.

درس پنجم

سؤالات امتحان نهایی

شماره صفحات پاسخ: ۲۷۵

ردیف	نمره	سؤال
۱	۱/۲۵	تَرْجِمِ الكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطُّ: الف) لِسَانُ القَطِّ مَمْلُوءٌ بِعَدَدٍ تُفَرِّقُ سَائِلًا مُطَهَّرًا. ب) هَلِ النَّامُ جُرْحٌ أُخِيكَ الأَكْبَرُ؟
۲	۰/۵	أَكْتُبْ فِي الفُرَاقِ الكَلِمَتَيْنِ المُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الكَلِمَتَيْنِ المُتَضَادَّتَيْنِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (اسْتَطَاعَ - قَرَّبَ - حَوَّلَ - أَنْشَدَ - بَعَدَ - قَدَّرَ) الف) = ب) ≠
۳	۰/۲۵	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الكَلِمَاتِ الأُخْرَى (حَسَبِ المَعْنَى): □ الف) الشَّاعِر □ ب) السَّحَاب □ ج) الأَبْيَات □ د) القَصِيدَة
۴	۰/۵	أَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الكَلِمَتَيْنِ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحُطُّ: الف) ذَنْبُ الطَّاوُوسِ جَمِيلٌ. ب) تَكَلَّمَ الأَطْبَاءُ حَوْلَ الأَمْرَاضِ المُخْتَلِفَةِ مَعًا.
۵	۵	تَرْجِمِ العِبَارَاتِ إِلَى الفَارْسِيَّةِ: الف) عَلَى البَشَرِ بِالاسْتِفَادَةِ مِنْ تِلْكَ المُعْجَزَةِ البَحْرِيَّةِ. (۰/۵) ب) «أُتَامِرُونَ النَّاسَ بِالبِرِّ وَ تَسْوُونَ أَنْفُسَكُمْ» (۰/۷۵) ج) رُبَّمَا يَسْتَعْمِلُ الطَّيِّبُ الحَادِقُ عُشْبًا طَيِّبًا لِمُعَالَجَةِ وَالدِّكِّ؟ (۰/۷۵) د) كَانَ الشَّانِحُونَ يَذْهَبُونَ إِلَى المَدَائِنِ لِرِيَازَةِ أَحَدِ قُصُورِ المُلُوكِ الشَّاسَانِيِّينَ. (۰/۷۵) هـ) يَسْتَعِينُ الفَلَّاحُ المُجْدُّ بِرُوحَتِهِ فِي زِرَاعَةِ أَشْجَارِ التَّنَّاجِ. (۰/۷۵) و) عِنْدَمَا تَسْمَعُ الحَيَوَانَاتُ صَوْتَ الغُرَابِ تَبْتَعِدُ عَنِ مَنطِقَةِ الخَطَرِ. (۰/۷۵) ز) جَاءَ أُخِي عِنْدِي بِالبَاحِثِ الَّذِي كَتَبَ مَقَالَاتٍ عَنِ جَوَاسِيسِ الغَابَةِ. (۰/۷۵)
۶	۰/۵	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ: الف) قَدْ اسْتَطَاعَ مُحِبُّ النِّقَاطِ صُورَ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الأَسْمَاكِ. □ ۱) مُحَمَّدٌ تَوَاسْتَهَ اسْتِ كِه دَر نورهای این ماهیها. عكس بگیرد. □ ۲) مُحَمَّدٌ مِي تَوَاسْتَهَ اسْتِ كِه دَر نورهای این ماهیها. عكسهای بگیرد. ب) لِلأَعْشَابِ الطَّيِّبَةِ تَأْثِيرَاتٌ عَلَى مُعَالَجَةِ بَعْضِ الأَمْرَاضِ. □ ۱) گیاهان دارویی، تأثیراتی بر درمان بعضی از بیماریها دارند. □ ۲) بعضی از گیاهان دارویی، تأثیراتی بر درمان بیماران دارند.
۷	۱	كَمِّلِ الفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ: الف) أَتَيْهَا الرِّجَالُ عَلَيكُمْ أَنْ تَتَفَاهَمُوا مَعَ بَعْضِكُمْ. أَي شَمَا بَايِدُ بَا يَكْدِيكِر ب) أَمْ تَمْلِكُ أَغْلَبَ الحَيَوَانَاتِ لُغَةً عَامَّةً؟ أَيَا حَيَوَانَاتِ، زَيَانِي دَارَنَدُ؟
۸	۲	تَرْجِمِ الأَفْعَالَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِحُطُّ: «شَاهِدْ: دِيد» الف) الغَوَاصُونَ شَاهَدُوا مِثَابَ المَصَابِيحِ المُلَوَّنَةِ. ب) سَبَّحْتُ أَبِي مَعَالِمَ أُثْرِيَّةً. ج) شَاهِدِي نَزُولَ المَطَرِ مِنَ السَّمَاءِ. د) هُمْ كَانُوا يُشَاهِدُونَ ظَاهِرَةَ غَرِيْبَةٍ. هـ) سَوَفَ تُشَاهِدُ وَلِيْنَا الحَمِيمِ. و) مَا شَاهَدْتُ الأَسَاتِذَ فِي المَكْتَبَةِ. ز) أَنْتَ لَا تُشَاهِدُ وَالدِّكِّ فِي الجَلْسَةِ. ح) زَمِيلَايَ يُشَاهِدَانِ صُورًا مِنَ مَسْجِدِ.

آزمون ترم دوم (۳)

شماره صفحات پاسخ: ۲۸۴

ردیف	نمره	سؤال
۱	۱/۲۵	ترجم الكلمات التي تحتها خط: الف) أُجِيتِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي. ب) تَضْرِبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَةَ الْقُرْشِ بِأَنْوِيفِهَا الْحَادَّةِ.
۲	۰/۵	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (فَجَاءَةٌ - كِبَارٌ - شَرَشَفٌ - مَوْسُوعَةٌ - صِغَارٌ - بَعْتَةٌ) الف) = ب) ≠
۳	۰/۲۵	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى (حَسَبِ الْمَعْنَى): <input type="checkbox"/> الف) السَّوَابِلُ <input type="checkbox"/> ب) الْبِحَارُ <input type="checkbox"/> ج) الْمُحِيطَاتُ <input type="checkbox"/> د) الظَّلَامُ
۴	۰/۵	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ: أَنْصَحُكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةِ الذَّاكِرَةِ.
۵	۵	ترجم العبارات إلى الفارسية: الف) قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِيعِيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ. (۰/۷۵) ب) أَعْلَفْنَا هَذَا الْمَضِيقَ سِدًّا عَظِيمًا حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ. (۰/۷۵) ج) لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، وَجَدْتُ دُلْفِينًا يَقْفِرُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرْحٍ. (۰/۷۵) د) اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ يُبَيِّنُ اتِّحَادَ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ. (۰/۷۵) هـ) ابْحَثُوا عَنِ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ لِأَنَّهُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ. (۰/۷۵) و) سَلِ الْمَصْنَعِ رَكْبًا تَهِيمٌ فِي الْقَلَوَاتِ. (۰/۵) ز) ذَهَبَ جَيْشُنَا الْقَوِيُّ لِمُحَارَبَةِ أَعْدَائِنَا وَ إِخْرَاجِهِمْ مِنَ الْحُدُودِ. (۰/۷۵)
۶	۰/۵	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ: الف) عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. <input type="checkbox"/> ۱) شما باید خدا را یاد کنید؛ زیرا آن، نور قلب است. <input type="checkbox"/> ۲) تو باید خدا را یاد کنی؛ زیرا آن، نور دل است. ب) «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» <input type="checkbox"/> ۱) بخوان و پروردگار تو گرامی است؛ همان که با قلم آموزش داد. <input type="checkbox"/> ۲) بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.
۷	۱	كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ: الف) «وَأَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» و مرا با رحمت در زمره دستکارت ب) الْبُومَةُ تَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ. در مکان‌های زندگی می‌کند.
۸	۱	ترجم الأفعال التي أُشير إليها بخط: «جَعَلَ: قرار داد» الف) رَجَاءٌ: اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ. «انتقل: جابه‌جا شد» ج) تَنْقَلُ الْأَشْجَابُ مِنَ الْغَابَةِ إِلَى مَصْنَعِ الْوَرَقِ. ب) «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ» د) مَا انْتَقَلَتِ الْبُضَائِعُ إِلَى الْحُجْرَةِ.

۱۱۰۶ دانشمندان کشف کردند که در زبان گربه، غده‌ای هست که مایعی پاک‌کننده از آن خارج می‌شود.

۱۱۰۷ نورهایی که به ما در عکس گرفتن کمک می‌کند، از نوعی از باکتری نورانی فرستاده می‌شود.

۱۱۰۸ آن غواص‌ها برای عکس گرفتن به اعماق اقیانوس می‌رفتند.

نکته: چنانچه پس از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود. هر چند اسم «ال» دار، اسمی مثنی یا جمع باشد. مثال: «أولئك الغواصون: آن غواصان»

۱۱۰۹ ما پزشکانی جوان هستیم. پس گیاهانی دارویی داریم که آن را گاهی در درمان کردن بیماری‌ها به کار می‌گیریم.

۱۱۱۰ در آغاز (شروع)، اعضای خانواده‌ام به زیارت عتبات (آستانه‌های) مقدّس در شهرهای چهارگانه مشرف شدند.

۱۱۱۱ پشیمانی بر سکوت، بر پشیمانی بر سخن برتری دارد. پس شما باید ساکت باشید.

۱۱۱۲ پزشکِ توانمند، گילה دارویی را آورد و آن را برای درمان کردن بیماری‌ام به کار بست.

نکته: «جاء + پ: آورد»

۱۱۱۳ باکتری نورانی که زیر چشمان آن ماهی‌ها زندگی می‌کند، تعجب‌برانگیز است.

۱۱۱۴ گربه، زخمش را چند مرتبه می‌لیسَد تا بهبود بیاید؛ زیرا زبانش، سلاح پزشکیِ همیشگی است.

نکته: چنانچه پس از حرف «حَتَّى» فعل مضارع بیاید، این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. مثال: «حَتَّى يَلْتَمِمْ: تا بهبود یابد».

۱۱۱۵ چه بسا برادرِ غواصم بتواند که در نورهای این ماهی‌ها، عکس (عکس‌هایی) بگیرد.

نکته: چنانچه پس از «رُبَّمَا» فعل مضارع بیاید؛ این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. مثال: «رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ: چه بسا بتواند».

۱۱۱۶ هرکس چیزی را خواست و کوشید، «آن را» یافت. پس تلاش‌هایت را برای رسیدن به اهداف و ولایت ادامه بده.

۱۱۱۷ باکتری نورانی زیر چشمان ماهی‌ها زندگی می‌کند. پس دانشمندان برای شناختن آن تلاش می‌کنند.

۱۱۱۸ دوست گرم و صمیمی‌ام، هفت روز در خانه‌اش ماند تا زخم عمیقش بهبود یابد.

۱۱۱۹ حیوانات جنگل، هنگام شنیدن صدای کلاغ، از منطقه خطر سریع دور می‌شوند.

۱۱۲۰ این حیوانات، انسان را به خواص دارویی (پزشکی) بسیاری از گیاهان صحرائی راهنمایی می‌کنند.

۱۱۲۱ دو شاعر بزرگ، قصیده‌هایی (دو قصیده) را هنگام دیدارشان از ایوان کسری سروده‌اند.

نکته: چنانچه پس از حرف «قَدْ» فعل ماضی بیاید؛ این فعل ماضی، معادل ماضی نقلی در فارسی است. مثال: «قَدْ أَنْشَدَ شَاعِرَانِ...: دو شاعر ... سروده‌اند».

۱۱۲۲ حیوانات از طریق زبان همگانی خود، می‌توانند که با هم به تفاهم برسند.

نکته: «لُغَتَهَا الْعَامَّة» ترکیب مخلوط وصفی اضافی به معنای «زبان همگانی خود» است.

۱۱۲۳ پرنده‌ای که رنگش سیاه (مشکی) است، صدایی دارد که به وسیله آن به حیوانات هشدار می‌دهد تا از منطقه خطر سریع دور شوند.

۱۱۲۴ ای پزشکان، گیاهان مناسب را برای پیشگیری از بیماری‌های مختلف به کار بگیرید.

۱۱۰۳ «الْتَمَّ - اسْتَفَادَ: استفاده کرد»، «اسْتَعْمَلَ: به کار بست» و «انْتَفَعَ: بهره برد» با هم ارتباط معنایی دارند. اما «الْتَمَّ: بهبود یافت» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.

۱۱۰۴ بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرد. نکته: «انظروا» فعل امر به معنای «نگاه کنید» است و نباید به صورت فعل ماضی «نگه کردند» ترجمه شود.

۱۱۰۵ آیا مردم را به نیکی دستور می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟

۱۱۰۶ خداوند، کسی را جز به اندازه توانش، تکلیف نمی‌کند. نکته: حرف «لا» منفی‌کننده فعل مضارع است. مثال: «لا يَكْلَفُ: تکلیف نمی‌کند»

۱۱۰۷ برای خودم مالک سود و زبانی نیستم، جز آنچه خدا بخواهد.

۱۱۰۸ پس خداوند، آرامشش را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان نازل کرد (فر فرستاد). نکته: «انزل» فعل ماضی به معنای «نازل کرد» است و نباید به صورت مضارع «نازل می‌کند» ترجمه شود.

۱۱۰۹ سینه خردمند، صندوق (جعبه) رازش است.

۱۱۰۹۰ میوه دانش، اخلاص (خالص شدن) عمل است.

۱۱۰۹۱ نیکی ادب، زشتی نسب را می‌پوشاند.

۱۱۰۹۲ دشمنی کردن خردمند، بهتر از دوستی کردن نادان است.

۱۱۰۹۳ بزرگ‌ترین نادانی، زیاده‌روی در ستایش و نکوهش است.

۱۱۰۹۴ حسد، نیکی‌ها را می‌خورد، همانگونه که آتش، هیزم را می‌خورد.

۱۱۰۹۵ خداوند برای بندگانش، چیزی را برتر از خرد، تقسیم نکرد.

نکته: حرف «ما» منفی‌کننده فعل ماضی است. مثال: «ما قَسَمَ: تقسیم نکرد»

۱۱۰۹۶ حیوانات جنگل، برای دور شدن از منطقه خطر از کلاغ یاری می‌جویند.

۱۱۰۹۷ همانا بیشتر حیوانات، علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خود، زبانی عمومی (همگانی) دارند.

۱۱۰۹۸ آیا امکان دارد که بشر روزی از آن معجزه دریایی برای نورانی کردن شهرهای مختلف بهره ببرد؟

نکته: چنانچه پس از حرف «أَنْ» فعل مضارع بیاید، این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. مثال: «أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد»

۱۱۰۹۹ غواصانی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند، صداها چراغ رنگی را دیدند.

۱۱۱۰۰ بدانند که زبان گربه، سلاح پزشکی همیشگی است، زیرا آن پُر است از غده‌هایی که مایعی پاک‌کننده را ترشح می‌کنند.

۱۱۱۰۱ بعضی از پرندگان و حیوانات، با غریزه (طبیعت) خود، گیاهان دارویی را می‌شناسند و کیفیت (چگونگی) به کار بستن آن را می‌دانند.

۱۱۱۰۲ اردک، غده‌ای طبیعی در نزدیکی دمش دارد که روغن خاصی را در بر دارد که آن را بر بدنش پخش می‌کند.

نکته: اگر «ل» در ابتدای جمله، بر سر اسم یا ضمیر متصل بیاید، به معنای «داشتن» است. مثال: «لِيَلْبَغِي غُدَّةً طَبِيعِيَّةً: اردک غده‌ای طبیعی دارد»

۱۱۱۰۳ چشم جغد، حرکت نمی‌کند، پس آن ثابت است، ولی سرش در هر جهتی حرکت می‌کند.

۱۱۱۰۴ آن غواصی که به اعماق اقیانوس رفت (رفته بود)، پرسیدم: چه چیزی تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کند؟

۱۱۱۰۵ غواصان کشور می‌توانند که در نورهای ماهی‌های نورانی، عکس (عکس‌هایی) بگیرند.

نکته: هرگاه اسم جمع مذکر سالم، مضاف واقع شود، «ن» آخر آن حذف می‌شود. مثال: «غَوَاصُونَ + اِلْيَادٍ = غَوَاصُو اِلْيَادٍ: غواصان کشور»

پاسخ تشریحی سؤالات امتحان نهایی

ردیف	راهنمای تصحیح	بارم
۱	الف) گربه / مایعی (مایع) / پاک کننده (ص ۶۴) ب) بهبود یافت / زخم (ص ۶۴)	۱/۲۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۲	الف) إِسْتَطَاعَ = قَدَّرَ (ص ۷۳) ب) قَرَّبْتُ ≠ بَعَدَ (ص ۷۳)	۰/۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۳	ب (ص ۷۱) (۰/۲۵)	۰/۲۵
۴	الف) اَلذَّنَابُ (ص ۶۸) ب) اَلعَرَضُ (ص ۶۵)	۰/۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۵	الف) بشر باید از آن معجزه دریایی بهره ببرد. (ص ۶۴) (۰/۵) ب) آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟ (ص ۷۵) (۰/۷۵) ج) چه بسا پزشک توانمند، گیاهی دارویی را برای درمان کردن پدرت به کار گیرد. (ص ۶۵) (۰/۷۵) د) گردشگران برای دیدن یکی از کاخ‌های پادشاهان ساسانی به مدائن می‌رفتند. (ص ۷۱) (۰/۷۵) هـ) کشاورز کوشا از همسرش در کشتن درختان سیب یاری می‌جوید. (ص ۷۰) (۰/۷۵) و) هنگامی که حیوانات، صدای کلاغ را می‌شنوند، از منطقه خطر دور می‌شوند. (ص ۶۶) (۰/۷۵) ز) برادرم، پژوهشگری را نزد من آورد که مقالاتی را درباره جاسوس‌های جنگل نوشت (نوشته بود). (ص ۶۶) (۰/۷۵)	۵
۶	الف) ۱ (ص ۶۴) ب) ۱ (ص ۶۵)	۰/۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۷	الف) مردم / به تفاهم برسید (تفاهم کنید) (ص ۶۶) ب) بیشتر / همگانی (ص ۶۶)	۱ (هر مورد ۰/۲۵)
۸	الف) دیدند ج) بین هـ) خواهیم دید ز) نمی‌بینی ب) خواهد دید د) می‌دیدند و) ندیدم ح) می‌بینند	۲ (ص ۶۴) (هر مورد ۰/۲۵)
۹	الف) اِكْتَشَفَ (ص ۶۴) ب) تَعَوَّضَ (ص ۶۷) ج) اِدْهَبَا (ص ۶۴) د) لَا تَسْتَفِيدِي (ص ۶۴)	۱ (هر مورد ۰/۲۵)
۱۰	الف) جمله اسمیه د) جمله اسمیه ب) جمله فعلیه هـ) جمله اسمیه ج) جمله فعلیه و) جمله فعلیه	۱/۵ (ص ۷۰) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۱	الف) الفاعل: زَمِيلٌ / المفعول: دِكْرِيَاتِ ب) الفاعل: ظَاهِرَةٌ / المفعول: النَّاسُ	۱ (ص ۷۵) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۲	الف) المُبْتَدَأُ: طَلَبُ / الخَبَرُ: فَرِيضَةٌ ب) المُبْتَدَأُ: آفَةُ / الخَبَرُ: التَّسَانُّ	۱ (ص ۷۵) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۳	الف) النَّاسُ: فاعل ب) تَقَرَّرَ: مبتدأ / الكَبِيرَةُ: صفت / لَذِيذٌ: خبر	۱ (ص ۷۶) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۴	الف) فعل مضارع ب) فعل ماضی	۰/۵ (ص ۷۰) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۵	الف) الذَّنْبُ ب) اِخْلَاصٌ ج) اَلْإِنَارَةُ د) اَلظَّلَامُ	۱ (ص ۷۰ و ۷۱) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۶	الف) اَلعَوَاصِفُ ج) شَاهِدٌ وَ مَنَاتٌ اَلْقَصَابِیحِ اَلْمَلَوْنَةِ. ب) لَيْلًا د) مِنَ الْأَسْمَاكِ اَلْمُضِيئَةِ	۱ (ص ۶۴) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۷	۲	۰/۵ (ص ۷۱) (۰/۵)
۱۸	نَعَمْ: إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ.	۰/۵ (ص ۷۱) (۰/۵)
۲۰	پایان	